



مردم آن‌ها را به عنوان اهدا کنندگان کالا بشناسند.

موهبتی که خدا به دانشجویان داده

خاله‌ها و عموهای بارانی می‌گویند کمک به کودکان دستاوردهای معنوی بسیاری داشته است. آن‌ها معتقدند اینکه آن‌ها غیر از درس و امتحان، دغدغه کمک به نیازمندان را دارند، موهبتی است که خدا به آن‌ها اعطا کرده است. البته خانواده این خاله‌ها و عموهای کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست، پس از مدتی، تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته و با دغدغه‌هایشان همراه می‌شوند. در محافل فامیلی هم که صحبت از آن‌ها به میان می‌آید، بعضی اعضای فامیل به فکر همراهی و کمک به نیازمندان می‌افتند برای همین گروه باران نه فقط یک خیریه دانشجویی بلکه گروهی برای فرهنگ سازی در راستای توجه به نیازمندان هستند.

ارتباط مستمر با ۲۱۰ کودک و نوجوان

دبیر گروه باران بابیان اینکه این گروه ابتدا فقط با یک مرکز تحت پوشش بهزیستی همکاری داشت اما اکنون هشت مرکز را تحت پوشش دارد، می‌گوید: سرجمع حدود ۲۱۰ کودک و نوجوان ۳ تا ۱۸ ساله در این هشت مرکز حضور دارند که به صورت هفتگی باهمه آن‌ها ارتباط مستمر داریم.

کنار کودکان می‌مانیم

عماد مجتهدی فر با اشاره به اینکه استان خراسان رضوی بیشترین تعداد مراکز بهزیستی کشور را به خود اختصاص داده و در حال حاضر نزدیک به ۵۰ مرکز در این استان وجود دارد، می‌افزاید: روز به روز بر تعداد این مراکز افزوده می‌شود و هر چند هنوز هم مراکز هستنند که ممکن است مشکلات فراوانی داشته باشند اما به طور کلی، به وضعیت خوراک و پوشاک مراکز بهزیستی رسیدگی می‌شود. از این رو ما به عنوان دوست در کنار این کودکان حاضر می‌شویم تا بخشی از خلای عاطفی آن‌ها را برطرف کنیم.

برگزاری کلاس‌های آموزشی

برگزاری کلاس‌های مختلف نظیر آموزش نقاشی، روش‌شیشه، نمد، قرآن، عکاسی، نویسندگی، موسیقی، شنا و... از دیگر کارهایی است که با خاله و عموها خودشان انجام می‌دهند و یا مربی دیگری را برای این کار در نظر می‌گیرند. هر وقت هم امکانش مهیا شود، بچه‌ها را برای تفریح به شهر بازی می‌برند.

در روزهای مختلف مناسبتی نیز خاله‌ها و عموها برای کودکان و نوجوانان از ائمه و نحوه زندگی و چگونگی تولد و شهادتشان می‌گویند.

این دانشجویان از کودکان مهد هم غافل نمی‌شوند و با آن‌ها بازی درمانی می‌کنند تا شاید در قالب این بازی‌ها کمی از فشارهای روحی بچه‌های جدا شده از خانواده، کاسته شود. اعضای گروه باران معتقدند که همه ما در قبال مشکلات اجتماعی و خانوادگی سایر مردم مسئول هستیم و نباید کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست را طرد کنیم بلکه موظفیم کاری انجام دهیم تا آن‌ها هم با جامعه پیوند خورده و مانند سایر مردم زندگی کنند.

روایتی که الگوی عمل گروه باران است

آن‌ها همیشه این روایت را برای خودشان بازگو کرده و آن را الگوی عمل خودشان قرار می‌دهند. «روزی حضرت علی (ع) از کنار خانه‌ای عبور می‌کرده که متوجه می‌شود بچه‌های یتیم آن خانه به خاطر گرسنگی گریه می‌کنند. در آن زمان حضرت علی (ع) می‌توانستند به یکی از اصحابشان بگویند که برای این خانواده آرد یا پول بیاورد اما حضرت خودشان به داخل خانه می‌روند و علاوه بر اینکه برای آن‌ها آرد می‌برند، به بازی کردن با بچه‌ها مشغول شده و آن‌ها را می‌خندانند.» اعضای گروه باران با پیروی از سیره حضرت علی (ع)، تعهد داشتن به کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست و صرف زمان برای آن‌ها را مهم‌تر از کمک مالی می‌دانند و هر چند که به مناسبت‌های مختلف، کمک‌های مالی مختلفی به محرومان داشته‌اند اما علاقه‌ای به بیان آن‌ها ندارند و نمی‌خواهند

خاله‌ها و عموهای مربی

کودکان، مربی‌هایی که به مراکز می‌روند را با نام خاله و عمو می‌شناسند. بچه‌ها علاقه زیادی به خاله‌ها و عموها داشته و تأثیر پذیری زیادی از آن‌ها دارند. البته خاله‌ها و عموها باید مراقب باشند تا هیچ کودکی وابستگی بیش از حد به آن‌ها پیدا نکند. وقتی که بچه‌ها مربی خودشان را داداش یا خواهر و امثال این‌ها خطاب می‌کنند، مربی یادآور می‌شود که «من فقط دوست تو هستم» چون اگر وابستگی‌ها زیاد شود، آسیب‌زا و مشکل‌آفرین خواهد بود.

البته این دوستان، حضور مستمر دارند و هر هفته حتماً دو ساعت، در کنار بچه‌ها حاضر می‌شوند. عمده تفاوت گروه باران با سایر مراکز خیریه هم همین حضور مستمر آن‌هاست. حضور مستمری که دلیل اصلی آن تلاش برای این است که کودکان احساس تنهایی و سردرگمی نکنند.

صبوری با بچه‌های تازه وارد و بدقلق

بچه‌های تازه وارد به مراکز بهزیستی، از یک طرف مراحل سخت و طولانی را در دادگاه و قهر نظیفه گذرانده‌اند و از طرف دیگر زندگی بر فراز و نشیبی داشته‌اند برای همین در ابتدای ورود، خیلی بدقلقی می‌کنند؛ بچه‌های دیگر را کنک می‌زنند، حرف‌شکنی ندارند. کلاس را بهم می‌ریزند و... اما خاله‌ها و عموهای مهربان باید با صبوری، این بچه‌ها و شرارت‌ها را درک کرده و با روش‌های مناسب، رفتار کودک را کنترل کنند تا به زندگی و محیط جدیدش عادت کند.

عمده دغدغه‌ای که اعضای این گروه ۱۰۰ نفره دارند، این است که نگاه ترحم آیمیز به کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست نداشته باشند. آن‌ها را به عنوان عضوی از جامعه بپذیرند و کمک کنند که خودشان نیز شرایطشان را بپذیرند. در واقع کار اصلی این گروه دور کردن ناامیدی از کودکان تحت پوشش بهزیستی و مرتبط کردن آن‌ها با جامعه است.

پشتیبانان درس و زندگی

از ابتدای همراه با آغاز مدارس، «آموزش» محور کار گروه باران می‌شود و اعضای گروه، در مراکز نگهداری کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست بهزیستی حاضر شده و مانند پشتیبان، به امور درسی کودکان رسیدگی می‌کنند. البته در کنار درس، نحوه صحیح ارتباطات اجتماعی را نیز به کودکان آموزش می‌دهند چرا که این کودکان باز هم به خاطر شرایط نامناسب خانواده حتی ابتدایی‌ترین مسائل اجتماعی نظیر سلام کردن، اجازه گرفتن، ابراز محبت و... را فراموش کرده‌اند.

اگر هم ارتباط یکی از مراکز اطلاع دهد و بگوید که به عنوان مثال بچه‌های این مرکز مسواک نمی‌زنند، از راه‌های مختلف نظیر قصه‌گویی، اجرای تئاتر و... کودکان آن مرکز را با ضرورت و نحوه مسواک زدن آشنا می‌کنند.

علاقه‌مند کردن کودکان و نوجوانان به درس خواندن، تأثیر غیر مستقیمی است که خاله‌ها و عموها بر بچه‌های مراکز دارند چرا که این افراد به خاطر شرایط سخت و آینده مجهول‌شان به فکر درس خواندن نیستند اما وقتی خاله‌ها و عموهای دانشجویی ببینند بیشتر به درس خواندن ترغیب می‌شوند. حتی مواردی بوده که از بین همین کودکان بهزیستی، در بزرگسالی دانشجوی شده و خودش به عضویت گروه باران درآمد تا هم‌نوعانش را دریابد.

درس‌گیزی که فتوشاپ کار شد

در بین کودکان آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر کودکانی هم هستند که به رغم تلاش‌های دانشجویان علاقه‌ای به درس خواندن نشان نمی‌دهند. اعضای گروه باران این بچه‌ها را استعدادیابی می‌کنند تا در حرفه مورد علاقه‌شان آموزش ببینند. به عنوان مثال یکی از بچه‌ها که اصلاً تمایلی به فراگیری درس نداشت، در انتهای کلاس لپ‌تاپ مربی‌اش را برمی‌دارد و به قسمت فتوشاپ می‌رود، مربی متوجه می‌شود که او به این هنر علاقه‌مند است از آن به بعد نیم ساعت آخر کلاسش با فتوشاپ کار می‌کند. پایان نیم سال دوم، این نوجوان کاملاً کار با فتوشاپ را فرا می‌گیرد و حتی در آتلیه‌ای مشغول به کار می‌شود و از این راه درآمد کسب می‌کند.

